فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۴۹-۱۳۳ **New Period 4, No 31, 2021, P 133-149**
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) **ISSN (2476-7018)**

چالش‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه جهت ورود به اتحادیه اروپا

بهرام عجملو
کارشناسی ارشد روابط بین الملل

چکیده

هدف از این نوشتار بررسی چالش‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه جهت ورود به اتحادیه اروپا می‌باشد. روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه ای می باشد. نتایج مطالعه مطالب مرتبط نشان داد که نمی‌توان به طور قطع در مورد آینده روابط ترکیه اتحادیه اروپا اظهارنظر کرد، شاید بهترین نتیجه‌گیری بتواند بررسی سناریوهای مختلفی باشد که بتوان برای آینده روابط ترکیه اروپا متصور بود. نکته مهم در بررسی روابط ترکیه – اروپا موانع فرهنگی و اجتماعی است که به نظر اصلی ترین مانع ورود ترکیه به اروپا شده است، اردوغان نیز بر این باور است مشکل فرهنگی مهم ترین مانع حضور کشورش در اتحادیه اروپا کشته است. به اعتقاد نگارنده با توجه به مشکلات ماهوی بین ترکیه و اروپا محتمل ترین سناریو، اعطای نوعی خاص و ابتکاری از رابطه با ترکیه از سوی اروپا است که عضویت نیست و از آن تحت عنوان مشارکت ویژه یاد می شود، به عبارتی به واسطه اهمیت ژئوپولتیکی و اهمیت ترکیه در حوزه امنیت انرژی و واسطه بودن بین اروپا و جهان اسلام اروپا دسترسی به ترکیه را از نظر دور نگه نمی دارد. سناریوی دیگر این است که ترکیه با انجام اصلاحات بیشتر و افزایش بیشتر سطح قدرت خود، با روبه رو شدن تردید اروپایی‌ها روی از اروپا بر می گرداند و سعی در ایفای نقش پل منطقه ای بین قفقاز، خاورمیانه و اروپا دارد، در این حالت روابط ترکیه با خاورمیانه و پیرامون و همین طور روسیه و آمریکا اساسی تر می‌شود، اگر قدرتمندی ترکیه با ضعف داخلی و تداوم بحران فعلی اروپا هم زمان گردد احتمال این سناریو بیشتر است، تهدید اردوغان به این که اروپا اگر تا سال ۲۰۲۳ ترکیه را نپذیرد این کشور را از دست خواهد داد در این راستا قابل ارزیابی است.

واژه‌های کلیدی: چالش‌های اجتماعی ترکیه، چالش‌های سیاسی ترکیه، اتحادیه اروپا، روابط ترکیه-اروپا

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

مقدمه

پیوستن ترکیه به اروپا در دهه های گذشته اصلی ترین مسئله در سیاست خارجی ترکیه و یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در حوزه سیاست خارجی اروپا بوده است. سیاست در میراث عثمانی‌ها پیوستاری از دیکتاتوری و دموکراسی، سکولاریسم و اسلام گرایی، نظامی گرایی و تحزب گرایی بوده که در محور غرب گرایی مدنظر کمال أتاتورک بنیان گذار جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ در مسیر تاریخ ترکیه جاری شده است. بسیاری از مشکلات ترکیه در راه پیوستن در اروپا به جامعه ترکیه و تعریف غیرجامع و غیرمانع رهبران و بنیان گذاران ترکیه از هویت و ملیت در این کشور باز می‌گردد. کشوری با جمعیتی مسلمان و دارای شکاف‌های اساسی نژادی و قومی که به ایجاد موانع درونی و برونی برای نیل به پیوستن به غرب ترکیه منجر گشته است. اقتباس از غرب از سوی جامعه ای مسلمان در بستر جغرافیایی عموما آسیایی اگرچه می‌تواند برای غرب تحسین برانگیز باشد؛ اما ورود به باشگاهی مسیحی در بستر جغرافیایی اروپایی به عنوان یک عضو می تواند حساسیت برانگیز و دلهره آور باشد. از سوی دیگر علاوه بر تفاوتهای مذهبی، سوابق تاریخی ناشی از پیش روی ترکان عثمانی تا نزدیکی قلب اروپا یعنی وین نیز در غیریت سازی از ترکیه در راه ورود به اروپا مانع مهمی را ایجاد کرده است. در داخل نیز ناسیونالیسم مبتنی بر قومیت ترک و تلاش برای امحای خرده هویت‌های دیگر مخصوصا کردها در کنار نقش پررنگ نظامیان در سیاست و ماجراجویی نظامیان در سیاست خارجی ترکیه در مواردی چون قبرس و یونان و در نهایت عدم ثبات اقتصادی از عمده ترین چالش‌های فراروی عضویت ترکیه در اروپا می‌باشد. در این نوشتار تلاش می‌شود ابتدا در قالب نگاهی تاریخی نقاط عطف روابط اروپا با ترکیه آورده شود، نگاه بازیگران عمده در مسئله الحاق ترکیه به اروپا سپس به موانع عمده پیوستن ترکیه به اروپا و نگاه بازیگران مختلف به الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا پرداخته شود و در پایان نیز وضعیت روابط ترکیه اروپا با تاکید بر دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه مورد پردازش قرار گیرد.

سیر تاریخی

سنگ بنای روابط ترکیه با اروپا در خصوص چشم انداز الحاق به تفاهم نامه آنکارا بر می‌گردد که در سال ۱۹۶۳ اولین گام عملی برای حضور ترکیه در جامعه اروپایی را محقق نمود، در این موافقت نامه بحث پیوستن ترکیه به اتحادیه گمرکی ونهایتا عضویت دائم در جامعه اقتصادی اروپا در صورت فراهم شدن شرایط سیاسی و اقتصادی ترکیه مطرح گشت. در دهه ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم روابط ترکیه اروپا فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرد که عمدتا به دو عامل باز می گشت: کودتاهای نظامیان علیه دولتهای مستقر و ماجرای دخالت نظامی ترکیه در قبرس در سال ۱۹۷۴(**Barbe& Soler 2004: 5**). عوامل مذکور تنشهای زیادی را بین دو طرف ایجاد کرد اما ترکها هرگز از هدف خود برای اروپایی شدن دست نکشیدند. نکته جالب در روابط دو کشور درخواست جامعه اقتصادی اروپا از ترکیه برای اقدام به عضویت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

در جامعه سال ۱۹۷۸ بود که ترکها آن را نپذیرفتند. نقطه مهم دیگر در روزشمار روابط فیمابین، سال ۱۹۸۷ بود که ترکیه به موازات بهتر شدن اوضاع سیاسی داخلی و ثبات نسبی، به صورت رسمی تقاضای عضویت در جامعه اقتصادی اروپا کرد. اما این برهه زمان مناسبی برای تقاضای عضویت نبود چون هم اروپاییان درگیر پروژه بازار داخلی بودند و هم این که وضعیت داخلی ترکیه چندان چشم انداز روشنی نداشت، حتی فضای باز دوره تورگوت اوزال هم تضمینی برای ثبات داخلی و رشد دموکراسی در ترکیه نمی‌داد مخصوصا این که در استان های جنوب شرقی ترکیه، درگیری بین ارتش ترکیه و پ. ک. ک بالا گرفته بود، ضمن این که کودتاهای مستمر علیه دولت های مستقر از سوی نظامیان وجود داشت به طوری که اروپا روابط با ترکیه را از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ به تعلیق در آورد (**Yilmaz, ۲۰۰۹**).

در سال ۱۹۸۹ کمیسیون اروپا بر صلاحیت ترکیه برای عضویت صحه نهاد اما به دلیل مشکلات سیاسی و اقتصادی مخصوصا حقوق بشر آن را رد کرد. پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، تغییرات شگرفی در محیط استراتژیک ترکیه ایجاد نمود. نقش ترکیه به عنوان حفاظ غربی علیه توسعه طلبی های شوروی به پایان رسید و ترکیه در معرض انواع خطرهای بی ثبات ساز از کشورهای استقلال یافته مناطق همسایه قرار گرفت. قرار گرفتن ترکیه در گذرگاه خاورمیانه – بالکان – قفقاز وضعیتی را برای ترکیه ایجاد کرده بود که خیلی سخت می‌شد از تحولات بی‌ثبات ساز ناشی از فروپاشی شوروی در امان ماند. منازعه بین آذربایجان ارمنستان رخ داد، جریان‌های پان ترکیستی در منطقه دوباره فضای مناسبی برای سر برآوردن پیدا کردند، از سوی دیگر ترکیه به دنبال ایفای نقش برادر بزرگتر برای ترکهای منطقه مثل جمهوری آذربایجان بود. لذا ملاحظات فوق نیز در تصمیم اروپا نسبت به عضویت ترکیه تاثیرات بسزایی داشت. اتحادیه گمرکی بین اتحادیه اروپا و ترکیه در سال ۱۹۹۵ ایجاد شد هرچند نهایتا در سال ۱۹۹۶ عملیاتی شد، در ترکیه ایجاد این اتحادیه گامی مهم برای گرفتن عضویت کامل قلمداد شد و ترکها هرگز به آن به چشم آلترناتیوی که اروپایی‌ها به جای عضویت کامل داده اند نگاه نکردند. در دهه ۹۰ تمرکز اروپاییان روی وضعیت دموکراسی و حقوق بشر ترکیه بسیار بیشتر از قبل شد و حتی تصویب اتحادیه گمرکی نیز برای مدتی بنا به دلایلی از جمله دستگیری نماینده مجلس ترکیه که طرفدار پ. ک. ک بود به تاخیر افتاد. در سال ۱۹۹۷ شورای اروپا در اجلاس لوکزامبورگ تصمیم گرفت به ترکیه وضعیت کاندیدای اروپا ندهد، ترکیه در مقابل گفت وگوی سیاسی با اتحادیه اروپا را معلق و حضورش در کنفرانس اروپایی را کنسل کرد. شورای اروپا مثل سال ۱۹۸۹ که کمیسیون پذیرفت که ترکیه صلاحیت دارد اما شرایط سیاسی و اقتصادی اش هنوز چندان مطلوب نیست و از ترکیه تقاضاهایی کرد: حرکت به سوی اصلاحات بیشتر شامل استانداردهای حقوق بشر، احترام به حمایت از حقوق اقلیت‌ها، ایجاد روابط با ثبات و مناسب بین ترکیه و یونان، حل اختلافات از طریق مجاری قانونی و چارچوب‌های حقوقی از جمله دیوان بین المللی دادگستری، تلاش برای حل مسئله قبرس تحت نظارت سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های شورای امنیت. در مقابل ترکیه پیشنهادهای شورای اروپا را رد کرد و اقدامات تلافی جویانهای را بیان کرد از جمله: تهدید به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

پس گرفتن درخواست عضویت، پایان دادن به گفت و گوی سیاسی با اتحادیه اروپا. در این اثنا ترکیه رفتاری دو وجهی داشت از یک سو نقد اروپا، از سوی دیگر فشار سایسی به اروپا برای ورود و پذیرش. اصلاحات چندانی نیز در دهه ۹۰ در ترکیه صورت نپذیرفت و بیشتر شامل یک سری تغییرات در قوانین جزایی، عزل قضات نظامی و. . . می شد (**Dagi,** ۶۰:۱۹۹۳).

در سال ۱۹۹۹ شورای اروپایی در اجلاس هلسینکی وضعیت کاندیدا را به ترکیه اعطا کرد اما بدون یک تاریخ مشخص برای آغاز مذاکرات الحاق. در این موج شناسایی، دوازده کشور دیگر نیز این وضعیت را دریافت کردند. شورای اروپا اعلام کرد که ترکیه نیز مثل دیگر کشورها از استراتژی‌های پیش الحاق برخوردار می‌شود که شامل افزایش گفت وگوی سیاسی با تاکید بر تحقق معیارهای سیاسی برای الحاق با توجه خاص به حقوق بشر میگشت. شروع گفت وگوی سیاسی الحاق به ارزیابی اروپایی‌ها از تحقق شرایط مدنظر معیارهای سیاسی کپنهاگ و کمیسیون بر می گردد. در سال ۲۰۰۱ شورا مشارکت الحاق را برای ترکیه برگزید (**Moreli,** ۲:۲۰۱۳). شورا ذیل عنوان افزایش گفت و گوی سیاسی و معیارهای سیاسی، یازده اولویت کوتاه مدت و به اولویت میان مدت مشخص کرد که باید قبل از تصمیم به آغاز مذاکرات الحاق محقق شوند. بعد از اجلاس هلسینکی روند اصلاحات در ترکیه هم جدی تر شد در اکتبر ۲۰۰۱، سی و چهار ماده از قانون اساسی ترکیه که راه را برای اصلاح قوانین زیردستی باز می‌نمود اصلاح شد، حکم اعدام لغو شد، حق پخش برنامه و آموزش زبان غیر از ترکی آزاد شد، بحث حقوق اقلیت های مذهبی و آزادی بیان و. . . مطرح گشت. بسته اصلاح بسیاری از تابوها را شکست و گام مهمی در نزدیکی روابط دو طرف شد (**Tocci & Narbone , 5:2005**).

در سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه انتخابات پارلمانی را برد و نخست وزیر یعنی اردوغان یک فرآیند جامع اصلاحات را آغاز کرد. در همین سال، شورای اروپایی کپنهای اعلام کرد گفت و گوهای الحاق در دسامبر ۲۰۰۴ بدون تاخیر شروع خواهد شد به شرطی که کمیسیون در آن زمان تایید کند که ترکیه معیارهای کهنها را برآورده کرده است. سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ دولت ترکیه روزهای پرفشار و پر استرسی را پشت سر نهاد و اصلاحات فراوانی را در قالب اصلاح قانون اساسی، پنج بسته قانونگذاری دیگر، افزایش تضمین های حقوقی آزادی اجتماع، مطبوعات و تظاهرات، افزایش شناسایی حقوق فرهنگی اقلیتها، مبارزه علیه شکنجه و سوء رفتار و دهها اصلاحات جزئی دیگر انجام داد. در مرحله بعد اروپایی‌ها از سرعت کم اصلاحات در ترکیه انتقاد کردند، در این میان عدم حمایت ترکیه از حمله آمریکا به عراق امتیاز مثبتی را به اردوغان از سوی اروپایی‌ها اعطا کرد. در سال ۲۰۰۴ گزارش اکتبر کمیسیون از پیشرفتهای مهم ترکیه در حوزه عملیاتی کردن اصلاحات سیاسی صحه نهاد و توصیه کرد که مذاکرات الحاق با پیشنهاد یک استراتژی سه ستونی آغاز شود. این سه مورد عبارتند از: اتحادیه اروپا به وضعیت اصلاح نظارت کند و بر اساس مشروطسازی منفی سالانه وضعیت اصلاحات ترکیه را ارزیابی کند. چارچوب مذاکرات بینادولتی تمهید گردد و مذاکرات باز است و تاریخ پایان ندارد همچنین گفت وگو بین جوامع مدنی نیز ایجاد شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

دسامبر ۲۰۰۴ شورای اروپا گزارش و نظر کمیسیون را تصویب و زمان شروع مذاکرات را ۳ اکتبر ۲۰۰۵ اعلام کرد (**Muftuler, 2011: 3**).

در سال ۲۰۰۵ چند مسئله چشم انداز مذاکرات الحاق را تیره و میهم کرد که از جمله مهم ترین آنها تصمیم دولت فرانسه برای برگزاری رفراندوم نسبت به ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، رای منفی مردم هلند و فرانسه به قانون اساسی اروپا و بالا گرفتن تنش بین ترکیه و یونان بر سر قبرس. نکته مهم در سال ۲۰۰۶ تصمیم شورای اروپا به تعلیق هشت فصل از مذاکره بود که به علت ناتوانی ترکیه در عمل به پروتکل های الحاقی به موافقت نامه آنکارا در خصوص قبرس انجام شده در سال ۲۰۰۷ حزب عدالت و توسعه مجددا پیروز انتخابات ترکیه شد و پنج فصل دیگر از مذاکرات شامل شبکه های فراروپایی، حمایت از مصرف کنندگان و سلامتی، کنترل مالی، آمارها و منابع و سرمایه گذاری باز شد و همچنین در اوایل همین سال دو فصل حقوق مالکیت معنوی و شرکتها نیز گشوده شد.

در سال ۲۰۰۸ پروندهای قضایی علیه حزب عدالت و توسعه طرح شد که بحث اعتبار دموکراتیک ترکیه را به چالش کشید، ادعا این بود که ۷۰ تن از اعضای حزب ضد سکولاریسم هستند، به طور کلی روابط ترکیه و اروپا در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به دلیل بعد بین المللی کردن مسئله قبرس توسط اتحادیه اروپا و قبل از آن الحاق قبرس به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ فراز و نشیبهایی را تجربه نمود. در مقطع مذکور نسل جدیدی از رهبران در بسیاری از کشورهای اروپایی روی کار آمدند که درست در نقطه مقابل اسلاف خود بودند. به عبارتی برلوسکنی و شرودر در حال اتمام دوره خودشان بودند و در ادامه ورود سارکوزی و خاتم مرکل در فرانسه و آلمان به همراه اقبال به احزاب دست راستی افراطی در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا وضعیت را پیچیده تر و سخت تر از قبل نمود. در سال ۲۰۱۰ مذاکرات در فصل دوازده و در خصوص امنیت غذایی و درمان حیوانات پیش رفت و در سال ۲۰۱۲ دستور کار برای پویایی های جدید در روابط دو طرف پیش بینی شده بود. اردوغان معیارهای کپنهاگ را گام مهمی در مدرنیزه کردن کشورش دانست و نگاه به اروپا را راه طبیعی و اصلی ترکیه خواند. اجرای معیارهای کپهانی و اصلاحات مدنظر اروپاییها در داخل ترکیه سوءظن کمالیستها را علیه اسلام گرایان در خصوص اروپا گرایی رفع می نمود، هم این که به حزب عدالت و توسعه در برخورد با اصلاح سیستم حزبی و قضایی و حقوقی ترکیه دست بالا را می‌داد، همچنین این اصلاحات و نگاه اروپامدار و دموکراسی گرا به حزب عدالت و توسعه امکان می‌داد در بلندمدت در ترکیه به عنوان بازیگری کلیدی نقش ایفا نماید، در عرصه بین المللی هم به ترکیه و حزب اردوغان پرستیژ و اعتبار خاصی اعطا می کرد (**Alessandro, ۹۲:۲۰۱۰**).

معیار کپنهاگ قواعدی است که بر اساس آن صلاحیت یک کشور برای پیوستن به اتحادیه اروپا سنجیده می شود. این معیارها توسط شورای اروپا در سال ۱۹۹۱ به موازات درخواست‌های کشورهایی با پیشینه کمونیسم مطرح شد که طبق آن هر کشور باید سه معیار را احراز نماید تا بتواند صلاحیت ورود به اتحادیه اروپا را دریافت کند. این معیارها در ماده ۴۹ معاهده ماستریخت، اعلامیه شورای اروپایی ۱۹۹۳ در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

کپنهاگ و چارچوب مذاکرات با یک دولت کاندیدای خاص آمده است که شامل معیارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی می‌شود. معیارهای سیاسی عبارتند از: نهادهای باثبات تضمین کننده دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، احترام برای و حمایت از اقلیت‌ها و. . . معیارهای اقتصادی نیز شامل یک اقتصاد بازار کارآمد که ظرفیت فشار رقابتی و نیروهای بازار در اتحادیه اروپا را داشته باشد و معیار حقوقی عمده نیز توانایی از عهده عضویت برآمدن در راستای اموری از جمله حمایت از اهداف اتحادیه اروپا. کشورهای متقاضی پیوستن به اتحادیه اروپا باید حائز شرایط مذکور باشند تا نظر مقامات و نهادهای تصمیم‌گیر را برای الحاق جلب نمایند (**Rezler ,2011: 392**).

بازیگران مطرح در خصوص عضویت ترکیه

در سطح اتحادیه اروپا یک نگاه واحد به پیوستن ترکیه به اتحادیه وجود ندارد و می توان گفت طیفی از نگاه ها مطرح است. حتی در میان مخالفان پیوستن نیز دلایل مخالفت و درجه مخالفت متفاوت است. فرانسه از چشم انداز ورود یک کشور مسلمان مثل ترکیه بسیار هراس دارد، با این که ژاک شیراک نگاه مثبتی به ترکیه داشت اما سارکوزی درست نقطه مقابل بود، آلمان از جمعیت اقلیت ترک در این کشور نگرانی دارد و همچنین احتمال پیوستن خانواده های کارگران ترک به آنها در آلمان نیز تبعات اقتصادی و اجتماعی گوناگونی برای آلمان دارد، در آلمان نیز نگاهها چندان یک دست نبوده است و در حالی که هلموت کهل مخالف پیوستن ترکیه بوده است، شرودر حامی ورود ترکیه به اتحادیه بود و خانم مرکل نیز از روابط ویژه به جای عضویت صحبت به میان آورده است. اتریش به واسطه مسائل تاریخی و حضور عثمانی در پشت دروازه های وین مخالف پیوستن ترکیه به شمار می رود. هلند نسبت به ورود ترکیه تردید دارد مخصوصا این تردید در سایه اقبال عمومی به حزب آزادی به رهبری خیط ویلدرز که یک حزب دست راستی ملی گرای افراطی است بیشتر نیز شده است. یونان ابتدا مخالف ورود ترکیه بود اما بعد از زلزله در دو کشور در سال ۱۹۹۹ و به واسطه کمک هایی که به هم نمودند دست از مخالفت کشید و بر این باور است که ورود ترکیه به اتحادیه این کشور را منطقی تر می‌کند. کشورهای ایتالیا، اسپانیا و پرتغال به همراه اسکاندیناوی نیز از پیوستن ترکیه به اتحادیه حمایت میکنند. انگلیس به شدت از پیوستن ترکیه به اروپا حمایت می کند، چرا که نگاه انگلیس به اتحادیه یک نگاه تجاری و تاجرگونه است و گسترش اروپا به سمت شرق بازارهای مناسبی را برای انگلیس ایجاد می کند و این که به سیاست فرا آتلانتیکی بر می‌گردد که در آن آمریکا- ترکیه روابط استراتژیک دارند و پیوستن ترکیه موجب توازن بخشی به حرکت‌های ادغام گرایانه غلیظ مدنظر آلمان و فرانسه می‌شود و ورود کشورهایی مثل ترکیه که از بافت فرهنگی و ساختاری متفاوتی برخوردارند خصلت بین دولتی اتحادیه اروپا را نسبت به دولت فراملی بیشتر می‌کند (**EU Briefing**, ۵:۲۰۰۸-۸).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

از مجموع ملاحظات گوناگون کشورها و پژوهشگران مختلف میتوان دلایل مخالفت با ورود ترکیه در اتحادیه اروپا را در شش نکته اصلی آورد. مهم ترین دلیل مخالفان اینست که ترکیه از لحاظ فرهنگی اروپایی نیست و ساختار فرهنگی-اجتماعی آسیایی و خاورمیانه ای دارد. دغدغه دوم از ناحیه مهاجرت احتمالی خیل عظیمی از کارگران ترک به اروپا و تبعات اجتماعی آن باز می‌گردد. در وهله سوم این نگرانی وجود دارد که ورود کشورهایی مثل ترکیه باعث گستردگی بیش از اندازه اتحادیه و به تبع آن تعمیق بیشتر ادغام سیاسی - اقتصادی و فرهنگی را مانع می‌شود. از سوی دیگر ترکیه کشور بزرگی است و قدرت زیادی را در داخل اتحادیه به خود اختصاص می‌دهد. استدلال پنجم مخالفان اینست که ترکیه را کشوری فقیر می پندارند که هزینه های زیادی را برای اتحادیه اروپا می تراشد و در نهایت با عضویت ترکیه کشورهای اروپایی با کشورهای بی ثبات خاورمیانه همسایه می شوند. در نقطه مقابل می توان مهم ترین دلایل موافقان ورود ترکیه به اتحادیه اروپا را در پنج مورد مورد اشاره قرار داد: نکته اول اینست که ترکیه می تواند حلقه وصل غرب با جهان اسلام شود و به ترکیه کمک می‌کند که ثبات را در مرزهای شرقی و جنوبی اش ایجاد کند. در وهله دوم ترکیه کشوری جوان با جمعیت تحصیل کرده است که می‌تواند به اروپای پیر کمک کند. ترکیه بازار اروپا را وسیع تر می‌کند و این امر محرک رشد، صادرات و ایجاد اشتغال است. استدلال چهارم موافقان بدین صورت است که ترکیه نقشی اساسی در امنیت انرژی دارد و از آنجا که مرزهای شرقی و جنوبی و شمال شرقی ترکیه دارای ذخایر انرژی قابل توجهی است ترکیه می تواند در انتقال انرژی از مسیرهای امن به اتحادیه اروپا کمک نماید. آخرین دلیل موافقان اینست که درست است الحاق ترکیه، اتحادیه اروپا را با خاورمیانه و قفقاز بی ثبات همسایه می‌کند اما در عوض می تواند به مبارزه با خطراتی هم چون جرائم سازمان یافته، قاچاق انسان، مواد مخدر و مهاجران غیر قانونی کمک نماید (**WWW. euc. illinois**).

در داخل ترکیه نیز همچون بیرون، دیدگاههای متنوعی بین بازیگران اصلی در خصوص پیوستن به اتحادیه اروپا وجود دارد. حزب حاکم یعنی حزب عدالت و توسعه نگاه بسیار مثبتی به پیوستن ترکیه به اتحادیه دارد، این حزب جزو احزاب دست راستی محافظه کار با گرایش های اسلامی در ترکیه است که حرکت به سمت اروپا را برای تضمین حیات سیاسی خود در آینده ترکیه را نیز در نظر دارد. حزب خلق جمهوری خواه به صورت سنتی نسبت به ورود ترکیه به اتحادیه مردد بود، این حزب دست حب ورود به اتحادیه ارو با بر اساس معیارهای کتانی را ناقض حاکمیت ملی ترکیه می‌داند؛ ولی از ورود ترکیه به یک اروپای بینادولتی که حاکمیت ترکیه را خدشه دار نکند حمایت می‌کند. حزب اقدام ملی به عنوان حزبی دست راستی ملی گرا نیز نسبت به ورود ترکیه مردد است و حتی با اصلاحات حزب عدالت و توسعه مخصوصا لغو قانون اعدام مخالف بود. حزب انجمن دموکرات که طرفدار کرده است از ورود ترکیه به اتحادیه اروپا به خاطر نقشی که این مسئله بر روند دموکراتیزاسیون ترکیه و افزایش سهم کردها در صحنه سیاسی کشور دارد حمایت می‌کند. حزب چپ دموکرات به عنوان حزبی سوسیال دموکرات آشکارا مخالف با موافق

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا نیست و مثل حزب اقدام ملی مردد است و بر این باور است که ترکیه نباید همهی تخم مرغ هایش را در یک سبد بگذارد و باید با دیگر قدرت‌های منطقه ای و جهانی مثل روسیه و کشورهای ترک زبان هم روابط خود را بهبود و گسترش بخشد. (**www.euc.illinois**).

موانع عمده پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و تلاش‌های صورت گرفته برای رفع آن ضعف دموکراسی:

تلاش برای حرکت به سمت دموکراسی تحولات دهه اخیر در ترکیه باعث شده است که دموکراسی در این کشور، یک گام بلند به سوی تثبیت بیشتر بردارد. پیروزی مجدد اسلام گرایان، عدم دخالت جدی ارتش، رضایت بازندگان به نتیجه انتخابات و در نهایت انتخاب دموکراتیک رئیس جمهور، نشان دهنده گذار ترکیه به سوی یک حکومت دموکراتیک باثبات است. گفته می‌شود ترکیه در اینده حرکت خود را به سوی نوعی «لیبرالیسم اسلامی» و «ثبیت دموکراسی» ادامه خواهد داد. انتخابات سال ۲۰۰۷ ترکیه به معنای شکست افراطگرایان و پیروزی اعتدال گرایی بود. افراط گرایان اسلامی که زیر نظر حزب سعادت به رهبری «رجایی کوتان» فعالیت می کردند، شکست سنگینی را متحمل شدند و تبلیغات آنها علیه اسلام گرایان معتدل حزب عدالت و توسعه خریداری پیدا کرد. این گروه به رغم آن که از حمایت شدید نجم الدین اربکان هم برخوردار بودند، به سختی توانستند کمتر از ۲ / ۵ درصد آرا مردم را کسب کنند. افراط گرایان لائیک هم که عموما تحت لوای حزب جمهوریخواه خلق در انتخابات شرکت کرده بودند، تنها موفق شدند حدود ۱۱۲ نماینده به پارلمان بفرستند، در حالی که در پارلمان قبل ۱۵۱ نماینده داشتند. نمایندگان مستقل و کردها هم توانستند ۲۷ نماینده به پارلمان بفرستند که در مقاسیه با دور قبل رشد چشمگیری داشته‌اند. کردهای افراطی موفق نشدند نماینده ای به پارلمان بفرستند و در حقیقت شکست خوردند؛ اما کردهای میانه رو که مخالف جدایی طلبی هستند، موفق شدند ۲۰ نمایند به پارلمان بفرستند. آستانه ده درصدی که برای ورود احزاب به پارلمان وضع شده است مانع ورود احزاب قدرتمندی از قبیل حزب مام میهن و حزب راه راست شد (**ShankLand, 2007: 358**).

بدون شک مهم ترین پیامد تحولات اخیر ترکیه به لحاظ داخلی، رشد و تثبیت دموکراسی در این کشور است. حزب عدالت و توسعه با در پیش گرفتن اصلاح قانون اساسی قصد دارد فرآیند حرکت ترکیه به سوی دموکراسی را سرعت بیشتری ببخشد. به نظر می رسد در صورت تصویب اصلاحات قانون اساسی در رفراندوم ملی و خصوصا انتخاب مستقیم رئیس جمهور توسط مردم، دموکراسی در ترکیه به مرحله غیر قابل بازگشت خواهد رسید. آزمون دموکراسی در ترکیه با دشواری های بزرگی روبه رو و با عقب نشینی‌های سنگینی همراه بوده و از همه این چالش ها جان سالم به در برده است. روابط ترکیه و اتحادیه اروپایی، نیز در سایه عزم جدی اسلام گرایان حزب عدالت و توسعه جهت ادامه فرایند عضویت ترکیه در این اتحادیه، بهبود یافته است. کادرهای ارشد این حزب برای تضعیف بیشتر نظامیان و کمالیست‌ها، به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

اتحادیه اروپایی به عنوان یک اهرم فشار مناسب نگاه می‌کنند و اعتمادسازی با اروپا را در پیش خواهند گرفت. پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا موجب حاکم شدن هنجارهای دموکراتیک بر جامعه و صحنه سیاسی این کشور می‌شود و اصلاحات شروع شده برای احراز شرایط ورود به اروپا را سرعت بخشیده و تحکیم خواهد نمود. این شرایط طبیعتا بر روابط ترکیه با همسایگان خود مخصوصا آنهایی که منازعه ارضی با این کشور دارند، تأثیر مثبت خواهد داشت.

ناسیونالیسم ترکی و ماجراجویی در سیاست خارجی: افول ناسیونالیسم ترکی و کاهش تنش در مناطق پیرامونی

ناسیونالیسم از دیرباز یکی از مشخصه های بارز جامعه ترکیه به شمار می رود. از آنجا که شکل گیری جمهوری نوین ترکیه از همان ابتدا بر پایه تفکرات ناسیونالیستی انجام شده است، اکثریت مردم ترکیه دارای احساس قدرتمند ملت گرایی هستند. این امر در سال‌های اخیر به سه دلیل مجدداً ظهور کرده است و ترکیه شاهد احزاب ملی گرایی همچون حزب حرکت ملی (**MHP**) در عرصه سیاسی این کشور بوده است. رد عضویت ترکیه و انتظار طولانی این کشور جهت پیوستن به اتحادیه اروپا در حالی که بسیاری از کشورهای اروپای شرقی به آسانی مورد پذیرش قرار گرفتند، افزایش تحرکات جدایی طلبانه کردها از طریق حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. ک. ک) و مهم تر از همه فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای ترک تبار در آسیای مرکزی و قفقاز این سه عامل را تشکیل می‌دهند (چوبین، **1385**: **116** - **115**).

پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، ناسیونالیسم افراطی این کشور را که در برخی از احزاب و اقشار این کشور مستتر می باشد تلطیف نموده و از شدت آن خواهد کاست. چرا که ترکیه مجبور می‌شود خود را با یک جامعه بزرگ تر وفق دهد. سیاست نگاه به شرق که اساساً به عنوان واکنشی در برابر اروپایی‌ها و همچنین جلب رضایت آنها مورد توجه ترکیه قرار گرفته است، به دنبال گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای همسایه در منطقه خاورمیانه و همچنین جمهوری های تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی و قفقاز می باشد. ترکیه با اشاره به پیوندهای فرهنگی و زبانی خود با پنج دولت ترک نوبنیاد در حوزه جنوبی شوروی سابق، از یک سو و برخورداری از روابط دوستانه با غرب و اروپا از سوی دیگر، مایل است تا به منزله اسب تروای نفوذ اروپا، ایالات متحده و حتی اسرائیل شناخته شود. هدف اصلی ترکیه از ترسیم چنین نقشی آن است تا اهمیت موقعیتش را به مجموعه غرب مخصوصاً اتحادیه اروپا گوشزد نماید و راهش را در کسب عضویت تمام عیار در این اتحادیه است، هموار سازد. بنابراین به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، نگاه ترکیه به آسیای مرکزی و قفقاز به میزان زیادی یک نگرش تاکتیکی است و نماینده تفکر غیر مذهبی، دموکراسی و اقتصاد آزاد خواهد بود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

حضور نظامیان در سیاست ترکیه: کاهش نقش نظامیان در اداره کشور ترکیه کشور ترکیه

همواره به عنوان کشوری که نظامیان بر امور سیاسی آن مسلط هستند، شناخته شده است. به نحوی که از سال تأسیس آن در ۱۹۲۳ تاکنون با حضور ۶ رئیس جمهور نظامی به مدت بیش از ۵۶ سال اداره گردیده است. علاوه بر این حتی در دوره هایی که حکومت به طور مستقیم در دست نظامیان نبوده است نیز آنان همواره در پشت تصمیم گیری‌های سیاسی حضور داشته اند (قهرمان پور، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

از عواملی که این حضور مستقیم و با تأثیر غیر مستقیم را باعث گردیده اند می توان نقش تاریخی ارتش در ترکیه چه در دوره عثمانی و چه تشکیل جمهوری، ضعف ساختارها و نهادهای دیگر به جز ارتش و متقای توانایی، سازماندهی و نقشی که ارتش پس از جمهوری در راستای نوسازی این کشور ایفا نمود، را نام برد. بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی، استقلال سیاسی و حقوقی ارتش، بحران استقلال طلبی و جنگ مسلحانه اکراد علیه دولت و هم چنین اقدامات اسلام گرایان و تلاش‌های دولت جهت مقابله با آنان، بهانه‌های لازم برای دخالت هرچه بیشتر در امور سیاسی را فراهم نموده بود. نهایتا به لحاظ بین المللی، نقش ترکیه در دوره جنگ سرد و عضویت در ناتو در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق و همچنین وجود روابط متشنج با همسایگان از عوامل فزاینده نقش سیاسی ارتش بودند (یزدان فام، ۱۳۸۱: ۳۸).

پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، رهبران نظامی با علم به این که حضور طولانی مدت آنها در عرصه قدرت می‌تواند بر روابط این کشور در عرصه بین المللی تأثیرات منفی بر جای گذارد، مصمم به کناره‌گیری از قدرت سیاسی شدند. از طرف دیگر، آغاز دوره نخست وزیری تورگوت اوزال و رئیس جمهوری وی و شروع اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ترکیه موجب گردید تا قدرت نظامیان در ترکیه به طور نسبی کاهش یابد. اوزال کوشید از نفوذ نظامیان در سیاست عمومی بکاهد. برای نمونه او به مردم اجازه داد تا با انتخابات ملی درباره پیش نویس ماده ۴ که رهبران احزاب ماقبل ۱۹۸۰ را از ایجاد، پیوستن و یا داشتن هرگونه رابطه ای با احزاب سیاسی تا سال ۱۹۹۲ منع می کرد، تصمیم بگیرند. وی هم چنین با انتخاب رئیس ستاد مشترک موردنظر خود، بر همه پرسی گذاشتن بودجه نظامی، توافق با یونان بدون حضور فرماندهان نظامی ترکیه و متوقف کردن تمرین نیروهای هوایی در دریای اژه، تفوذ ارتش را در تصمیم گیری‌های ترکیه به چالش کشاند. ارتقای اوزال به ریاست جمهوری موجب تسریع و تداوم این چالش شد. لیکن وقوع جنگ دوم خلیج فارس و تشدید درگیری ها و عملیات گسترده نیروهای مسلح در جنوب شرقی ترکیه علیه حزب کارگران کردستان، این امکان را برای نظامیان فراهم کرد تا حضور رو به کاهش سال های تسلط اوزال را دوباره احیا کنند (کارایلیاس، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۳).

به طور کلی وی توانست قدرت سیاسی نظامیان را کاهش دهد و در زمینه‌های سیاست خارجی و مسائل امنیتی بر نیروهای نظامی تسلط پیدا کند و مجموع تدابیر اقتصادی - سیاسی وی باعث افت چشم گیر موقعیت اجتماعی و قدرت سیاسی نظامیان شد. اما به هر حال به علت شرایط خاص جامعه ترکیه و برخورداری از مرزهای تا امن همراه با چالش های امنیتی داخلی، نظامیان حذف نشدند و به حیات خویش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

ادامه دادند. با جدی تر شدن مسئله عضویت این کشور در اتحادیه اروپا، فشار بر این کشور مبنی بر کاهش نظامیگری افزایش یافته است. در سالهای اخیر با قدرت گیری حزب اسلام گرای عدالت و توسعه، موازنهای میان دولت و نهادهای سکولار همچون ارتش و دادگاه عالی به وجود آمده است. حمایت اتحادیه اروپایی از اصلاحات درونی، در دوره قبلی حکومت حزب عدالت و توسعه، در تضعیف نقش نظامیان در سیاست تأثیر زیادی داشته است (حافظیان، ۱۳۸۳: ۸۶).

با تداوم اصلاحات اوزال توسط احزاب اسلامگرای فعلی، می توان گفت که نوع ایستار و نگرش ارتش به جامعه مدنی و اصول و ارزش‌های کمالیزم دچار تحول شده و همچنین تحولات اقتصادی دهه‌های اخیر و ورود ارتش به صحنه فعالیت‌های سیاسی روند اصلاحات را تکمیل و نهادینه نموده است. وابستگی متقابل اقتصادی و صنعتی میان ارتش و دولت غیر نظامی و افزایش بی سابقه روابط تجاری و صنعتی ارتش با بخش صنعت، نقش ارتش در حفظ نظام لائیک و اصول کمالیزم تا انداز ای تعدیل شده است. این امر فضای مناسب تری را برای مطرح شدن ایده ها و افکار جدید فراهم خواهد نمود و همچنین ارتش ناچار خواهد بود به علت اشتراک منافع با جامعه و دولت غیر نظامی، در هنگام مواجهه با بحران های سیاسی – اجتماعی رادحل مسالمت آمیزی را اتخاذ نماید تقلیل حضور نظامیان در صحنه سیاسی – اجتماعی موجب گسترش روابط ترکیه و اتحادیه اروپا شده است. (حافظیان، ۱۳۸۳: ۹۴).

مسئله کردها: تلاش جهت به رسمیت شناختن حقوق کردها

اکراد در جنگ استقلال ترکیه در سال های ۱۹۲۳ – ۱۹۱۹ نقش عمده ای را در پیروزی آتاتورک ایفا کردند، اما در ادامه تقاضای کردها برای خودمختاری با مخالفت مصطفی کمال پاشا قرار گرفت و بحران اندک اندک آغاز شد. در سال‌های اولیه تأسیس جمهوری ترکیه سرخوردگی کردها از یک سو و برخورد جدی دولت با آنها از سوی دیگر به شورش هایی در مناطق کردنشین تبدیل شد. از سال ۱۹۲۵ تا سال ۱۹۳۹ به شورش عمده در مناطق کردنشین روی داد که با سرکوب ارتش و استقرار کامل نیروهای نظامی و محاصره این مناطق مواجه شد. از سوی دیگر در سیاست موازی کردزدایی» و «ترک سازی» در این مناطق در دستور کار دولت قرار گرفت. بر اساس این سیاستها کردها در واقع ترکهای بودند که به علت اقامت بلندمدت در مناطق کوهستانی زبان ترکی خویش را فراموش نموده اند و لذا بر همین اساس تا چند دهه قبل به آنها ترک های کوهستانی گفته می شده است (**Hunter, 55:995**). در دهه های ۵۰ و ۶۰ دولت سعی نمود از طریق دخالت دادن رهبران سنتی کردها در صحنه سیاسی به کردها نزدیک شود؛ اما این نزدیکی به رهبران سنتی، به نوبه خود موجب رشد یک حرکت چپ گرای افراطی در میان جامعه گرد گردید که در اواخر دهه ۶۰ به تحرکات سیاسی و تظاهرات های انبوه خیابانی منجر شد. اما کودتای ۱۹۷۱ حرکت کردها را حتی در ابعاد فرهنگی سرکوب نمود. درگیری های نظامی ترکیه با کردها در دهه‌های بعدی ادامه یافت؛ لیکن پیچیدگی درگیری کردها و ترکیه پس از اشغال عراق و سرنگونی صدام

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

بیشتر شده است (اولسون، ۱۳۸۰: ۶۷). به هر حال مسئله کردها بازتابهای بین المللی پیدا کرده و به صورت مانعی برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا درآمده است. با وجود مشکلات متعددی که در راه پذیرش حقوق کردها در ترکیه وجود دارد، در سال‌های اخیر تحولات داخلی و بین المللی در جهت تعدیل رفتار سیاسی ترکیه نسبت به کردها بوده است. تحولات داخلی ترکیه و رقابت‌های انتخاباتی احزاب به جو حل مشکل کردی کمک نموده است. بدین ترتیب امیدهایی نسبت به حل معضل کردی به وجود آمده است و به نظر می‌رسد مقامات رسمی و غیررسمی ترکیه در مواضع خود نسبت به مسئله کردها تجدیدنظر نموده‌اند و این امر در دو بعد مختلف در حال تحقق است. اول این که تلاش می‌شود تا کردها را وارد زندگی سیاسی و اقتصادی کشور بنمایند. اولین گام در این راستا به رسمیت شناختن هویت کردها در ترکیه بوده است. به عنوان مثال سلیمان دمیرل، رئیس جمهور أسبق ترکیه در یکی از سفرهای خود به مناطق کردنشین، اعلام نمود «ما امروز از هویت کردی سخن می گوییم؛ مخالفت با این امر غیرممکن است، ترکیه باید واقعیتی به نام کردها را به رسمیت بشناسد» (**Hale, 690:1992**).

دومین اقدام ترکیه در این راستا، توجه هرچه بیشتر به عمران و توسعه مناطق کردنشین در جنوب و شرق این کشور بوده است این امر عمدتا در چارچوب طرح بزرگ و جاه طلبانه آناتولی موسوم به طرح «گاپ» در حال انجام است. فرض دولت و سیاستگذاران ترک این است که اجرای چنین پروژه عظیم اقتصادی از طریق رونق بخشیدن به زندگی مردم باعث از میان رفتن نارضایتی ها می شود (**Gunter,** ۱:۱۹۹۰). اما مسئله مهم و اساسی دیگر که ترکیه را به پذیرش حقوق اقلیت ها به ویژه کردها ترغیب می کند، فشارهای اتحادیه اروپا می باشد، زیرا موضع گیری سران ترک در مقابل کردهای مخالف ترکیه همیشه یکی از مهم ترین ایرادها و موانع بر سر راه ترکیه جهت ورود به اروپا بوده است. بدین ترتیب با گامهایی که دولت ترکیه در سال های اخیر طی دوران حکومت حزب عدالت و توسعه به نخست وزیری اردوغان برای اصلاحات در راه عضویت در اتحادیه اروپا برداشته است تا حدودی برخی خواسته های کردهای ترکیه نیز بر آورده شده است (روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۹/۲۴). تصویب طرح گشایش کردی توسط پارلمان ترکیه در سال ۲۰۰۹، حرکتی در این راستا ارزیابی می شود. قبل از این هم دولت ترکیه، برخی اقدامات در رابطه با اعطای حقوق بیشتر به کردها را انجام داده بود که در صدر آنها افتتاح شبکه رسمی کردی یعنی «**TRT6**» و پخش برنامه‌های آن به زبان کردی، قرار داشت قهرمان پور، ۱۳۸۸: ۲۳). آزادی های سیاسی جدید برای کردها تنها منحصر به جنبه های فرهنگی نمی باشد، بلکه در عرصه سیاسی نیز دنبال شده است. هم اکنون حزب جامعه دموکرات ترکیه (**DTP** که یک حزب کردی به شمار می رود، حظور فعالی در پارلمان ترکیه دارد و به رغم مخالفت نهادهای سکولار با حمایت های حزب عدالت و توسعه (**AKP**) به حیات خویش ادامه می‌دهد. با این حال حزب حاکم با مخالفت‌های شدیدی از طرف احزاب اپوزیسیون در ارتباط با اصلاحات کردی روبه رو است و شواهدی مبنی بر تغییر نگرش کردها به جامعه ترکیه تاکنون

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

دریافت نشده است. لذا شرایط جدید کاملا شکننده است و هر لحظه می‌توان انتظار حادثه غیر مترقبه ای را داشت.

قضیه قبرس

حضور ترکیه شمال جزیره قبرس تحت عنوان دفاع از ترکهای جزیره و اقلیت های ترک شمال یونان در کنار مسئله ارتدوکس‌های یونانی در ترکیه و بحث تعیین حدود مرز آبی در دریای اژه از جمله مسائل حوزه سیاست خارجی ترکیه است که جنجال‌های فراوانی را پیرامون الحاق ترکیه به اروپا به وجود آورده است. از اقدامات روبه جلوی حزب عدالت و توسعه فشار روی رئوف دنکتاش رهبر ترکهای قبرس، جهت پذیرش برگزاری همه پرسی برای الحاق دو بخش ترک نشین و یونانی نشین قبرس بود. این مسئله سبب شد در افکار عمومی جهان، چهره ترکیه و قبرس شمالی مثبت تر گردد زیرا اتباع ترک قبرس به طرح مذکور رأی مثبت دادند؛ اما رأی منفی یونانی تبارها به طرح پیوستن، بازی را به نفع ترک ها تمام کرد و حداقل باعث گردید سران شورای اروپا مسئله قبرس را از لیست پیش شرطهای آغاز مذاکره با ترکیه، در نشست ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴ در بروکسل خارج نمایند.

روابط اتحادیه اروپا – ترکیه در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه در شرایطی در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ به پیروزی رسید که سه سال پیش از آن در اجلاس هلسینکی اروپایی ها وضعیت کاندیدا را به ترکیه اعطا نموده بودند. در آغاز سیاست خارجی دولت اردوغان بسیار اروپا گرایانه بود. اصلاحات بسیاری را با سرعت قابل توجهی در دستور کار دولت قرار داد و حتی سیاست نگاه به شرق نیز تاثیر چندانی در این روند نداشت، هر چند رای منفی مردم هلند و فرانسه و روی کار آمدن رهبران جدید در اروپا یعنی سارکوزی و خانم مرکل روی این فرآیند موثر بودند. حزب عدالت و توسعه اصلاحات را بسیار جدی گرفت زیرا این مسئله مشروعیت بین المللی قابل توجهی را مخصوصا از سوی اروپا و آمریکا برای حزب عدالت و توسعه به ارمغان می آورد همزمان دو عنصر اروپاگرا بودن و دموکراسی گرا بودن حیات و تداوم زیست سیاسی حزب عدالت و توسعه را که دارای ریشه های اسلامی بودند در آینده نظام سکولاریستی ترکیه که تا قبل از آن در انحصار کمالیستها و نظامیان بود را تضمین می کرد.

سیاست ایفای نقش پلی و حضور فعال در مناطق پیرامونی نشان دهنده دو نکته است: ۱- افزایش اعتماد به نفس ترکیه مخصوصا حزب عدالت و توسعه که برآمده از نوعی نگاه مجدد به خود و کشور یا تحول قدرت ترکیه در عرصه جهانی و منطقه ای بود. ۲- اروپا گرایی شدید حزب عدالت و توسعه در پرتو سیاست جدید اوغلو یعنی تنش صفر و حضور در مناطق پیرامونی نگاهی اصیل نبوده و بیشتر تابع قدرت حزب عدالت و توسعه در درون ترکیه و قدرت ترکیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ بوده است. اما نکته مهم که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

نخبگان ترک نباید از یاد ببرند این است که اگر در مناطق پیرامونی با اقبال مواجه شده اند تا حدود زیادی متاثر از این نگاه است که ترکیه در چشم مردمان مناطق پیرامونی اش کشوری اروپایی و در آستانه ورود به اتحادیه اروپاست و نکته دوم این که که در طول قرن گذشته بهبود شرایط ترکیه تا حدود زیادی به زمان‌هایی بر می‌گردد که فضای درونی این کشور به واسطه نگاه اروپا گرایانه نظم و اصلاح را به خود دیده است، به عبارتی در دوره هایی که ترکیه روابط نزدیکی با اروپا داشته نه این که دورانی که به دنبال جایگزینی دیگر برای اروپا گرایی بوده است. ضمن این که در مواقعی که ترکیه سعی در فاصله گیری از اروپا و افزایش حضور در خاورمیانه داشته از آن با نوعی سوء ظن تحت عنوان نوعثمان گرایی در خاورمیانه برداشت شده است و مشکلات زیادی را برای اعمال نفوذ ترکیه در خاورمیانه و قفقاز ایجاد نموده است. لذا اروپاگرا بودن ترکیه نفوذ و جذابیت ترکیه را برای مناطق پیرامونی بیشتر می‌کند؛ بدون این که از آن تحت عناوینی همچون نوعثمان گرایی یاد شود.

نکته مهم دیگر برداشتی است که که کشورهای اصلی اتحادیه اروپا که مخالف پیوستن ترکیه به اروپا هستند از سیاست خارجی پیرامون گرای حزب عدالت و توسعه دارند، بدین صورت که فرانسه و آلمان اتحادیه اروپا را جامعه ای دارای یک مجموعه اصول و ارزش های همگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میدانند و سیاست نگاه به شرق ترکیه را به عنوان دلیلی برای ناهمگون بودن ترکیه با ارزش‌های جامعه اروپایی مدنظر آلمان و فرانسه و همگون بودن ارزش‌های ترکیه با کشورهای خاورمیانه میدانند، به عبارتی افزایش نفوذ و حضور ترکیه در خاورمیانه در چشم رهبران آلمان و فرانسه برخلاف نگاه انگلیس، ایتالیا، اسپانیا و کشورهای اسکاندیناوی - که موافق پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا هستند - نوعی انحراف و بازگشت به اصل خود تعبیر می شود، در حالی که در نگاه موافقان پیوستن ترکیه به اروپا افزایش نفوذ ترکیه در مناطق پیرامونی مخصوصا خاورمیانه لزوما نوعی انحراف محسوب نمی‌شود و حتی می‌تواند نوعی دارایی استراتژیک ارزشمند برای اروپا در مناطق مذکور باشد. از این رو است که آلمان و فرانسه بیشتر مایلند به جای عضویت مشارکت ویژه با ترکیه داشته باشند. از سوی دیگر جمعیت رویه رشد ترکیه نیز نگرانی‌های فرانسه و آلمان را افزایش داده است؛ چرا که در نهادهای اروپایی که جمعیت سهم و اندازه قدرت هر کشور را در آنها مشخص می کند ترکیه تهدیدی اساسی برای فرانسه در درجه اول و آلمان در وهله بعد خواهد بود (**Alessandro, 94:2010-6**).

نتیجه‌گیری

نمی‌توان به طور قطع در مورد آینده روابط ترکیه اتحادیه اروپا اظهارنظر کرد، شاید بهترین نتیجه گیری بتواند بررسی سناریوهای مختلفی باشد که بتوان برای آینده روابط ترکیه اروپا متصور بود. نکته مهم در بررسی روابط ترکیه –اروپا موانع فرهنگی و اجتماعی است که به نظر اصلی ترین مانع ورود ترکیه به اروپا شده است، اردوغان نیز بر این باور است مشکل فرهنگی مهم ترین مانع حضور کشورش در اتحادیه اروپا

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

کشته است. به اعتقاد نگارنده با توجه به مشکلات ماهوی بین ترکیه و اروپا محتمل ترین سناریو، اعطای نوعی خاص و ابتکاری از رابطه با ترکیه از سوی اروپا است که عضویت نیست و از آن تحت عنوان مشارکت ویژه یاد می‌شود، به عبارتی به واسطه اهمیت ژئوپولتیکی و اهمیت ترکیه در حوزه امنیت انرژی و واسطه بودن بین اروپا و جهان اسلام اروپا دسترسی به ترکیه را از نظر دور نگه نمی دارد. سناریوی دیگر این است که ترکیه با انجام اصلاحات بیشتر و افزایش بیشتر سطح قدرت خود، با روبه رو شدن تردید اروپایی‌ها روی از اروپا بر می گرداند و سعی در ایفای نقش پل منطقه ای بین قفقاز، خاورمیانه و اروپا دارد، در این حالت روابط ترکیه با خاورمیانه و پیرامون و همین طور روسیه و آمریکا اساسی تر می شود، اگر قدرتمندی ترکیه با ضعف داخلی و تداوم بحران فعلی اروپا هم زمان گردد احتمال این سناریو بیشتر است، تهدید اردوغان به این که اروپا اگر تا سال ۲۰۲۳ ترکیه را نپذیرد این کشور را از دست خواهد داد در این راستا قابل ارزیابی است. سناریوی سوم بدین صورت است که روابط ترکیه و اروپا در قالب سیاست همسایگی نگه داشته می‌شود و سیاست همسایگی آلترناتیو عضویت ترکیه در اروپا شود، این مسئله مخصوصا با درک بی ثباتی در مرزهای ترکیه و تلاش اروپا برای ایجاد حائل بین مرزهای خود و مناطق بی‌ثبات قابل فهم است. در این سناریو تلاش می شود از ترکیه علاوه بر حائل به عنوان یک میانجیگر معتدل در منازعه اعراب به اسرائیل و قیسی برای مدل سلفی در کشورهای مسلمان خاورمیانه استفاده شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فهرست منابع و مآخذ

ـ السن، رابرت (۱۳۸۰)، مسئله کردها و روابط ایران و ترکیه، ترجمه ی ابراهیم یونسی، نشر پانیذ.

ـ چوبین، شهرام؛ گرین، جرالد: لسر، ایان (۱۳۸۱)، جامعه و سیاست خارجی ترکیه در دوران پرآشوب، گزارش کارگاه مرکزی سیاست گذاری (امتیتی ژنو و رند در ۲۷-۲۵ آوریل ۲۰۰۱)، ترجمه رحمان قهرمان پور، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴، زمستان ۸۱، ضمیمه. ۳

ـ حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۳)، ترکیه: نخبگان سیاسی نظامی و چالشهای دموکراسی، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۱، بهار.

ـ روزنامه ایران، ۲۴/ ۹/ ۱۳۸۳. ۵

ـ کارایلیاس گراسیموس (۱۳۸۱)، تجربه روابط نظامیان و غیرنظامیان در ترکیه، ترجمه پریسا کریمی نیا، نگاه شماره ۲۸.

ـ قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۱)، آینده روابط ترکیه و غرب: به سوی یک طرح استراتژیک، معرفی و نقد کتاب فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴، زمستان ۷

ـ یزدان فام، محمود (۱۳۸۱)، سیاست نظامی ترکیه، چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه نگاه، شماره ۲۸، آبان.

__ David, Shankland (2007), "Islam Politics in Turkey: The 2007 Presidential Elections and Beyond", International Affairs, Vol. 83, Issue 2, pp. 357-371 ,March 2007.

__ Emiliano Alessandri (22 Sep 2010), "Turkey's New Foreign Policy and the// www.http :at :Available Relations". Turkey-EU of Future Tandfonline. com/loi/rspe20.

__ Esther Barbé& Eduard Soler i Lecha(coord) (2004), "EU-Turkish Relations ,"Special Dossier of the Observatory of European Foreign Policy, No. 2, December 2004, Bellaterra (Barcelona). European Union Center of North Carolina, EU Briefings, March 2008.

__ TURKEY AND THE EUROPEAN UNION, The European Union Center at the University of Illinois at Urbana-Champaign (Summer 2007), Available at: www .Euc. Illinois. Edu/includes/docs/Turkey-EU-curriculum.

__ Ihsan Dagi, Turkey in the 1990s: Foreign Policy Human Rights and the Search for New Identity, Mediterranean Quarterly, fall 1993, P 60.

__ Luigi Narbone and Nathalie Tocci, RUNNING AROUND IN CIRCLES? THE CYCLICAL RELATIONSHIP BETWEEN TURKEY AND THE EUROPEAN UNION (30 September 2005), Available at: www. Cespi. It.

__ MelitemMuftuler, Thee European Union and Turkey (July 2011), Availabe at :www.Reconproject.Com .

__ Michael M. Gunter (1990), The Kurdish in Turkey: A politiCAL Dilemma ,Colorado west view press.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

__ Paulina Rezler, THE COPENHAGEN CRITERIA: ARE THEY HELPING OR HURTING THE EUROPEAN UNION? (2011), Volume 14, No. 2, TOURO INTERNATIONAL LAW REVIEW.
__ Vincent Morelli (2013), European Union Enlargement: A Status Report on Turkey's Accession Negotiations Congressional Research Service, January 8.
__ Sheem Hunter, Turkey at crossroads: Islamic past or European future (Brussel .C. E. P. S, 1995).
__ Yilmaz, H. (2009), in Turkey's Accession to the European Union: An Unusual Candidacy. Edited by Arvanitopoulos, C. Berlin: Springer.
__ William Hale (1992), Turkey, Middle East and the Gulf crisis, International Affairs, No2 .

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]